

زینب رازدشت

روزنامه‌نگار



داستان قیر است و قیف نیست، داستان هنرمندان عرصه‌های موسیقی، تئاتر و فیلم در شرایط فعلی است. شاید در دوره‌ای دریافت مجوز برای هنرمندان از جمله مجوز برای برگزاری کنسرت، اجرای نمایش روی صحنه تئاتر و حتی ساخت فیلم و سریال شامل

نگاهی به تعطیلی‌های تحمیلی در موسیقی تئاتر و سینما

توپ در زمین کیست؟

و هم اکنون مدتی می‌شود که خبری از برگزاری کنسرت‌ها نیست و شاید درست‌تر این باشد که هیچ گروهی درخواستی برای برگزاری کنسرت ندارد با اینکه پیش‌تر عنوان شده بود که دفتر موسیقی وزارت ارشاد مجوزی نمی‌دهد اما زمانی که دفتر موسیقی آمادگی خود را برای صدور مجوز کنسرت‌ها اعلام کرد، مشخص شد که گروه‌ها برای گرفتن مجوز اقدام نمی‌کنند و داستان چیز دیگری است؛ وضعیتی که می‌تواند به‌خاطر شرایط روزهای پاییزی باشد و نگرانی هنرمندان به‌خاطر نبود تماشاگر؛ چه بسا که هنر بدون مخاطب معنا ندارد. کنسرت‌گذاران با افزایش هزینه برگزاری کنسرت روبرو هستند و نبود تماشاگر در سالن‌های بزرگ کنسرت می‌تواند بیشترین ضربه را به گروه‌های موسیقی بزند، اما دفتر موسیقی عنوان کرده که مایل است نهایت همکاری را با گروه‌های موسیقی داشته باشد. شاید وقتش است که دفتر موسیقی شروع به رایزنی برای حضور گروه‌های موسیقی در سالن‌ها کند.

وقتی پای مافیا در میان است!

تماشاخانه‌های تهران جسته و گریخته اجراهایی دارند اما این اجراها با استقبال مخاطب امروز همراه نیست؛ سالن‌هایی که با فروش میانگین بلیت ۸۰ هزار تومانی به حیاتش ادامه می‌دهد. اما گروه‌های موسیقی هم بیشترین ضرر اقتصادی را دارند؛ کنسرت‌هایی که منبع درآمد هنرمندان موسیقی است. گروه‌های موسیقی که درایم کرونا با توجه به شیوع کرونا، همچنان فعال بودند و جزیره کیش آن زمان بیشترین اجراهای موسیقی را داشت، اما حالا کنسرت‌های موسیقی تعطیل شده و این تعطیلی در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.



همچنین کنسرت‌ها در لس‌آنجلس، ملبورن، سیدنی، لندن و مونترال اجرا می‌رود، پارتی‌ها در شهرهای بزرگ به شکل زیرزمینی برقرارند، اما در ایران مافیای غرب‌زده و البته سیاست‌زده چندین ماه است که برگزاری کنسرت‌های موسیقی را برابر با عادی‌سازی وضعیت تعبیر کرده و طوری فضا سازی می‌کند تا کسی جرأت برگزاری کنسرت را نداشته باشد.

نام و عنوان فرد یا جریانی در این باره مطرح نیست، اما فشارهای رسانه‌ای که از شیوه‌ها و شگردهای مختلفی استفاده می‌کند هنرمندان عرصه موسیقی را در وضعیتی قرار داده که جرأت نمی‌کنند کارشان را از سر بگیرند.

این وضعیت در حالی است که طبق شنیده‌ها اغلب بدنه فعال در موسیقی از این وضعیت به ستوه آمده‌اند. فقط یک دیکتاتوری محض می‌تواند این گونه قشر هنرمند عرصه موسیقی را در معرض رکود معیشتی قرار بدهد. هنرمندان این عرصه دو سال سخت‌ترین روزهای تاریخ خود را گذراندند و تا آمدند خود را از زیر بار رکود سخت‌ترین نجات دهند هشتگ‌های مهسا امینی که اغلب از خارج کشور داغ می‌شد کار این قشر را به طور کامل کساد کرد.

یک مسیری مشابه هفت خوان رستم می‌شد، اما امروز داستان فرق کرده است.

هر سال زمانی که ماه محرم و صفر به پایان می‌رسید، حجم درخواست‌ها برای برگزاری کنسرت‌ها بالا بود، گروه‌های موسیقی پاپ بیشترین کنسرت‌ها را در تهران و دیگر شهرهای بزرگ برگزار می‌کردند.

اما امسال قرار بود وضعیت هنرمندان پس از گذشت دو سال از شیوع ویروس کرونا بهتر شود که متأسفانه اتفاقاتی که از اواخر شهریورماه و با آغاز هشتگ‌های

مهسا امینی در کشور رخ داد، وضعیت حتی وخیم‌تر از روزهای کرونایی شد. با توجه به ناآرامی‌های اخیر در کشور بسیاری از رویدادهای فرهنگی و هنری همچون کنسرت‌های موسیقی در تهران و سایر شهرهای کشور دستخوش تغییراتی شد.

بعضی از کنسرت‌های موسیقی همچون علیرضا طلیسچی، بهنام بانی، ناصر زینلی، مسیح و آرش و محسن یگانه با تصمیم تهیه‌کنندگان یا خواننده‌ها لغو و یا به زمان مناسب‌تری موکول شد. این روند با

مراجعه به سایت‌ها و سامانه‌های فروش بلیت‌های کنسرت قابل مشاهده است که این سامانه‌ها سال گذشته و حتی پیش از ماه‌های سوگواری محرم و صفر کنسرت‌های متعددی را معرفی می‌کردند؛ نیمه دوم شهریورماه امسال و در زمان آغاز فروش بلیت کنسرت‌های موسیقی، سامانه‌ها و سایت‌ها کنسرت‌هایی را معرفی و اطلاع‌رسانی کرده بودند که پس از مدتی پوسترهای بعضی از آن کنسرت‌ها حذف شد.

عقب‌نشینی «اجباری» از مواضع!

مجبور شد یک ویدیو منتشر کرده و عنوان کند که فریب خورده است! غرب‌زده‌هایی که مدعی آزادی بیان هستند این گونه آزادی را به مسلخ می‌برند. در این بین ضعف خود بدنه موسیقی و انجمن‌های موسیقی نیز به این بی‌عملی دامن زده است.

اخیراً پرواز همای، خواننده موسیقی سنتی کشورمان اقدام به برگزاری یک کنسرت کرد که در آن قطعاتی را با موضوع شهید سلیمانی خواند، اما طبق معمول فیک‌نیوزها و زامبی‌های فضای مجازی کار را به جایی رساندند که این خواننده

در تعریف «بی‌شرف»

ایران به نفع کیست؟ نمی‌دانم این مسأله از کجا نشأت می‌گیرد که افراد کارهای روزمره خود را دارند، باشگاه می‌روند، رستوران می‌روند، سر کار می‌روند و شب می‌نشینند در فضای مجازی می‌گویند کنسرت برگزار نشود و کسی که کنسرت برگزار می‌کند، عنوان «بی‌شرف» را می‌گیرد. کسی به فکر معیشت اهالی موسیقی نیست و اگر موسیقی همچنان تعطیل باشد تا چه زمان می‌تواند به حیاتش ادامه دهد؟



البته امیرعباس ستایشگر، مدیر انجمن موسیقی درباره وضعیت این روزهای موسیقی گفت: با توجه به وضعیت امروز جامعه، ذهنیتی وجود دارد که موسیقی را باید تعطیل کنیم؛ چراکه موسیقی باعث شادی و تفریح است به همین دلیل نباید برگزار شود. یک ذهنیت هم وجود دارد که گفته می‌شود باید موسیقی کار کنیم و در همین کنسرت‌های موسیقی حرف خودمان را بزنیم. اما این سؤال مطرح است که تعطیلی موسیقی در

آتشی که پر «برده خانه» را هم گرفت

گلاب آدینه از جمله بازیگر و کارگردان تئاتری بود که تهنه اغتشاشگران هم به او خورد تا جایی که او را تهدید به تعطیلی نمایش «برده خانه» کردند، نمایشی که با هزاران زحمت برای اجرا آماده‌اش کرده بود. او از انتقاداتی که بر او وارد شد، گفت: خیلی به من خرده می‌گیرند مبنی بر اینکه تئاتری که از نظارت و ارزشیابی دولت مجوز گرفته، چه تئاتری است. پاسخ من این است که تمام بزرگان مانده در این دوره بلکه در تمام دوره‌های قبلی هم، در شرایطی مشابه کار کرده‌اند، هرگز در ایران شرایط برای کار هنری ایده‌آل نبوده. همیشه بزرگان ما برای انجام کارهای خود از ادارات سانسور مجوز گرفته‌اند، کتاب‌های خود را منتشر کرده‌اند، نمایش روی صحنه برده‌اند و فیلم ساخته‌اند. اعتراض کرده‌اند، فریاد کشیده‌اند ولی دوباره به کار ادامه داده‌اند. آنان کار کردند تا ریشه هنر خشک نشود. آنان کار کردند و اعتراض و حرف خود را به وسیله همان کار هنری، مطرح کردند تا هنر در این مملکت نابود نشود.

آدینه با اشاره به یکی از رؤیاهای خود گفت: در آرزوی روزی هستیم که جهانی‌هایی که طرفدار و ستایشگر شجاعت و جسارت مردم ما هستند، ببینند مردم ایران همانطور که اعتراض و دادخواهی می‌کنند، هنر شب سالن‌های تئاتریشان را هم بر از تماشاگر نگه می‌دارند. ببینید چه زیبا خواهد بود که در عین اعتراض و حق‌طلبی، فرهنگ و هنر در کشورمان متعالی و تئاتر و موسیقی و نمایشگاه‌های هنری‌مان برقرار باشد. نویسندگان مان در کار نوشتن و چاپ آثارشان باشند و زیست هنری‌شان در جریان باشد. این است که می‌ماند. چون همه جنگ‌ها، ناآرامی‌ها و...

دیر یا زود به انجامی خوب یا بد می‌رسد. در این میان هنرمندان هستند که از دل همان وقایع، اثر هنری خلق می‌کنند و مثلاً بعدها می‌بینیم اثری که ۵۰ سال پیش، پنج سال تکفیر شده، حالا ارزش‌های هنری‌اش قدر دانسته می‌شود. همچنین لشکر خدا گودرزی نویسنده و کارگردان نمایش «فرزند یک خنیاگر» درباره چرایی اجرای تئاتر در شرایط کنونی، تأکید کرد: اگر به تئاتر به مانند دیگر مشاغل نگاه کنیم پس نباید تعطیل شود و تئاتر هم به مانند سایر مشاغل باید زندگی خود را ادامه دهد. ولی اگر نگاه‌مان به تئاتر تربینی باشد در نتیجه این نظر مطرح می‌شود که در شرایط فعلی نباید تئاتر اجرا شود. او یادآور شد: این گفته بزرگان است که تئاتر به مانند نان ضرورت دارد پس تئاتر باید در همه شرایط ضرورت داشته باشد. در تمام دنیا این اتفاق افتاده و فعالیت‌های هنری از جمله تئاتر در شرایط مختلف انجام شده‌اند.

همچنین رامین پرچمی دیگر بازیگر تئاتر در خصوص اتفاقات اخیر گفت: با اینکه در اعتراض‌های اجتماعی همیشه همراهی کرده‌ام ولی با تعطیلی تئاتر به شدت مخالفم.

پرچمی که پیشتر با بازی در نمایش «این آب آشامیدنی نیست» در سالن سینما روی صحنه بود، درباره استقبال تماشاگران از نمایش‌های روی صحنه در مقطع اجتماعی فعلی توضیح داد: نمایش قبلی مان کمتر مورد استقبال قرار گرفت ولی خوشبختانه استقبال تماشاگران از نمایش «بنجری» خوب است. اگر در هر اجرا تمام صندلی‌های سالن پر نشود ولی دست‌کم بیش از نیمی از ظرفیت آن پر خواهد شد. او با ابراز مخالفت با تعطیلی تئاتر در شرایط اجتماعی فعلی افزود: از اول هم با این نظر مخالف بودم. با اینکه در اعتراضات اجتماعی همیشه کنار مردم بوده‌ام ولی با تعطیلی تئاتر به شدت مخالف بودم و اصرار داشتیم که حتماً تئاتر روی صحنه برود. اگر قرار بر اعتراض است، سالن تئاتر یکی از بهترین مکان‌ها برای طرح اعتراض‌های اجتماعی و حرف زدن درباره مسائل است.

بایکوت تا کی؟

همچنین محمد معتمدی خواننده معروف عرصه موسیقی سنتی در پستی (استوری در صفحه شخصی) نگرانی‌اش را از وضعیت معیشتی همکارانش رسانه‌ای کرد. او نوشت: در اتفاقات اخیر، رخدادهای تلخی به وقوع پیوست و باید پذیرفت که جامعه موسیقی کشور به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی حوزه فرهنگ، شرایط روحی مساعدی نداشته است اما آیا راهکار، تعطیلی کنسرت‌ها است و اگر این راهکار، علاج درد است، تا چه زمانی می‌توان نسبت به بایکوت و تحریم کنسرت، صبر کرد؟

می‌توان به واکنش محمد معتمدی، به دیده دیگری نگریست و در روزگار فشار رسانه‌ها، به کشف مسیری رسید تا هم برای مردم جریحه‌دار نشود و هم به راه‌حلی علمی و عملی برای متضرر نشدن بیشتر اهالی موسیقی رسید.

حال آنکه با رصد برنامه سینماها و سالن‌های نمایش، به این نتیجه می‌رسیم که اوضاع در این دو مدیوم، تقریباً به حالت عادی خود رسیده اما درهای سالن‌های کنسرت همچنان به روی مشتاقان آن بسته است.

با نزدیک شدن به هفته پایانی آبان ماه، تعداد اجراهای تئاتری در تماشاخانه‌ها بیشتر از هفته‌های قبل شد؛ نمایش‌هایی که گاهی با کمترین مخاطب روی صحنه می‌رود و گاهی مخاطبان‌ش تنها نیمی از سالن نمایش را پر می‌کنند. از میان نمایش‌هایی که این روزها با همه سختی‌ها اجرا می‌شوند، نمایش «برده‌خانه» گلاب آدینه بیشترین تماشاگر را در روزهای اول اجرا داشته است، نمایشی که با وجود مخالفت برخی از هنرمندان و گروه‌های نمایشی به‌خاطر اتفاقات اخیر روی صحنه رفت.

